

## شیوه‌نامه‌ی نوشتار (دستور خط)

### مقدمه

رسم الخط یکی از موضوعات مهم نگارش فارسی است که در باره‌ی شیوه‌ی املا‌ی کلمات بحث می‌کند. باید یادآور شد که نویسندگان و ویراستاران مختلف، برای این مبحث، با سلیقه‌های گوناگون، شیوه‌های مختلفی را معیار کار قرار داده‌اند.

هر چند که فرهنگستان زبان و ادب فارسی، کتاب‌هایی با عنوان «دستور خط فارسی» را شامل مصوبات رسم الخط این فرهنگستان منتشر کرده است، اما با این حال آنچه آموزش و پرورش در تدوین کتب درسی و در آموزش دستور خط ارائه داده، در مواردی با این مصوبات اختلاف دارند. از این رو، در شیوه‌نامه‌ی حاضر، با دقت در انتخاب ویراستاران حرفه‌ای و همچنین تجربیات مختلف در این زمینه، سعی کردیم، دستور خطی را ارائه دهیم که در برآوردن اهداف زیر، بیشترین فایده را داشته باشد:

سهولت مطالعه برای مخاطبین؛ با توجه به ویژگی‌های خط فارسی.

زیبایی چینش کلمات برای خواننده؛ با توجه به ویژگی‌های حروف چاپی.

ایجاد روانی و سهولت برای جستجوی مطلوب برنامه‌های کامپیوتری.

لازم است همه‌ی کسانی که در تألیف یک متن واحد همکاری می‌کنند، یک دستور خط واحد را پذیرفته و مورد استفاده قرار دهند.

### قواعد نوشتار

اما قواعدی که بر اساس توضیحات فوق، می‌تواند مثرتر باشد:

۱. نباید میان حروف یک کلمه فاصله بیفتد. مثال:

غلط	صحیح
کتاب	کتاب

۲. نباید میان دو کلمه‌ای که در کنار هم دارای معنای واحدی هستند (کلمات مرکب) فاصله باشد و حتی باید از سرهم‌نویسی این کلمات خودداری نمود. برای این کار باید از نیم‌فاصله (half space) استفاده نمود.

غلط	صحیح
لاک‌پشت / لاک پشت	لاک‌پشت
آهن‌با / آهن‌با	آهن‌با
کتاب نویس / کتاب‌نویس	کتاب‌نویس

۴. برخی از کلماتی را که در واقع به عنوان یک کلمه مرکبند، باید سرهم و چسبان نوشت. مثال:

غلط	صحیح
گفت‌گو	گفتگو
جست‌جو	جستجو

۵. کلمات مرکبی که اگر میان دو بخش آنها فاصله ایجاد گردد، برای خواننده شائبه‌ی مضاف و مضاف الیه یا صفت و موصوف بودن آن ایجاد می‌شود، باید سرهم نوشته شوند؛ به عنوان مثال:

غلط	صحیح
کتاب‌خانه	کتابخانه
خواب‌گاه	خوابگاه

۶. نشانه جمع (ها) از تمام کلمات جدا نوشته می‌شود. مثال:

غلط	صحیح
سیبها	سیب‌ها
آبها	آب‌ها

۷. حرف «به» از اسم جدا است و میان‌شان نیز فاصله لازم دارد ولی حرف «ب» به فعل می‌چسبد.

جلوی اسم:

غلط	صحیح
بخانه	به‌خانه
بآرامی	به‌آرامی

غلط	صحیح
به خوانم	بخوانم

**نکته:** اگر پیشوند «ب» صفت ساز باشد، به صورت چسبان نوشته می شود. مانند:

غلط	صحیح
به هوش	بهوش
به نام	بنام
به سامان	بسامان

**نکته:** حرف «ب» در کلمات مرکب عربی سرهم نوشته می شود. مانند: بالطَّبع، بالقوَّة، بالأخره، بلا تکلیف.

**نکته:** حرف «ب» اگر به صورت «بدین»، «بدان»، «بدو» و «بدیشان» به کار رود نیز به کلمه می چسبد.

**نکته:** «بلا» در عین این که سرهم نوشته می شود، اما استفاده آن در کلمات فارسی مثل «بلادرنگ» غلط است.

زیرا طبق قاعده‌ی کلی، ترکیب عربی - فارسی غلط است و به جای آن باید از کلمه‌ی «بی‌درنگ» بهره برد.

۸. هرگاه «بای زینت»، «بای امر»، «نون نفی» یا «میم نهی» بر سرافعالی که با الف مفتوح یا مضموم آغاز می شوند

(مانند: انداختن، افتادن، افکندن) بیاید، الف در نوشتن حذف می شود: بینداخت، بینداز، نیفتاد، میفکن.

۹. «می» و «همی» از فعل جدا است اما جداسازی آن باید با نیم فاصله باشد. مثال:

غلط	صحیح
میخواهم / می خواهم	می خواهم
میبویم / می بویم	می بویم
میتوان / می توان	می توان

۱۰. پیشوند «بی» نیز چسبان نیست و نیز نباید در حروفچینی با فاصله باشد. مانند:

غلط	صحیح
بیآب / بی آب	بی آب
بیوفا / بی وفا	بی وفا
بیرنگ / بی رنگ	بی رنگ

**استثنا:** در مواردی که کلمه بسیط‌گونه باشد یعنی معنای آن دقیقاً مرکب از معانی اجزای آن نباشد: بیهوده،

بیخود، بیراه، بیچاره، بینوا، بیجا.

۱۱. پسوندهای «تر» و «ترین» از کلمات جدا می‌باشند اما باز هم بدون فاصله. مثل:

غلط	صحیح
درستتر	درست‌تر
دیدنیترین	دیدنی‌ترین
می‌توان / می‌توان	می‌توان

**نکته:** کلمات «کمتر»، «بیشتر»، «کهنتر»، «مهتر»، «بزرگتر» و «کوچکتر» استثنا هستند و بهتر است که به صورت چسبان نوشته شوند.

۱۲. که جدا از کلمه‌ی پیش از خود نوشته می‌شود:

غلط	صحیح
چنانکه	چنان‌که
آنکه (= آن کسی که)	آن‌که

**تبصره:** کلمات «بلکه»، «آنکه»، «اینکه» استثنا هستند.

۱۳. اگر کلمه به «ه / ه» ختم شود، در موقع افزودن «گان» یا «گی»، «ه / ه» حذف می‌شود. مثل:

غلط	صحیح
آینده‌گان	آیندگان
ستاره‌گان	ستارگان
آراسته‌گی	آراستگی

۱۴. کلمات مرکبی که در کنار هم معنای جدیدی می‌یابند و قسمت دوم آنها با حرف «آ» آغاز می‌گردد، باید چسبان نوشته شوند و در صورت چسبان نیز، «آ» به «ا» تبدیل می‌شود. مانند:

غلط	صحیح	غلط	صحیح
پس‌آیند	پس‌آیند	خوش‌آیند	خوش‌آیند
دل‌آرام	دل‌آرام	دست‌آس	دست‌آس
پیش‌آمد	پیش‌آمد	گل‌آب	گل‌آب

**تبصره:** اگر جزء دوم تک‌هجایی باشد، حتما پیوسته است اما اگر بیش از یک هجا داشته باشد، تابع قاعده‌ی خاصی نیست و در بعضی از موارد، جدا نوشته می‌شود: دانش‌آموز، دل‌آگاه، زبان‌آور.

۱۵. کلمات «آن»، «این»، «هم»، «هیچ» و امثال آنها، از کلمات دیگر جدا می‌شوند. مانند:

غلط	صحيح	غلط	صحيح
آنطور	آن طور	همینسان	همین سان
همکلاسی	هم کلاسی	هیچگاه	هیچ گاه
همانطور	همان طور	کدامیک	کدام یک

**نکته:** «هم» در موارد زیر، به کلمه می چسبد:

۱. کلمه بسیط‌گونه باشد: همشهری، همشیره، همدیگر، همسایه، همین، همان، همچین، همچنان.

۲. جزء دوم تک‌هجایی باشد: همدرس، همسنگ، همکار، همراه.

اما در صورتی که پیوسته‌نویسی «هم» با کلمه‌ی بعد از خود موجب دشوارخوانی شود، مانند «همصنف»، «همصوت»، «همتیم» جدا‌نویسی آنها مرجح است.

۳. جزء دوم با مصوّت «آ» شروع شود: همایش، هم‌آورد، هماهنگ.

اما در صورتی که قبل از «آ» همزه در تلفظ ظاهر شود، «هم» جدا نوشته می‌شود: هم‌آرزو، هم‌آرمان.

**تبصره:** «هم» بر سر کلماتی که با «ا» یا «م» آغاز می‌شود، جدا نوشته می‌شود: هم‌اسم، هم‌مرز، هم‌مسلك.

**نکته:** «ها» را از کلمات «آنها» و «اینها» می‌توان جدا نکرد، زیرا «آنها» و «اینها» هر دو ضمیر اشاره جمع هستند؛ و به همین صورت صحیح‌اند. همچنین کلمات «اینجا»، «آنجا»، «اینکه»، «آنکه» و «آنچه» را نیز بهتر است که به صورت سرهم نوشت.

۱۶. کلمات مرکبی که از ترکیب با پسوند ساخته می‌شود، همیشه پیوسته نوشته می‌شود (مانند: گزارشگر، تحلیلگر)، مگر هنگامی که:

الف) حرف پایانی جزء اول با حرف آغازی جزء دوم یکی باشد: نظام‌مند، آب‌بان.

ب) جزء اول آن عدد باشد: پنج‌گانه، ده‌گانه.

**تبصره:** عدد یک از این قاعده استثنا است و بهتر است که به کلمه‌ی دیگر بچسبد: یکپارچه، یکباره، یکشنبه.

**تبصره:** پسوند «وار» از حیث جدا یا پیوسته‌نویسی تابع قاعده‌ای نیست؛ در بعضی کلمات جدا و در بعضی پیوسته نوشته می‌شود: طوطی‌وار، طاووس‌وار، بزرگوار، خانوار، سوگوار.

۱۷. مرکب‌هایی که بسیط‌گونه‌اند، به صورت پیوسته نوشته می‌شود: آبرو، الفبا، آبشار، نیشکر، رختخواب، یکشنبه.

۱۸. مرکب‌هایی که دست کم یک جزء آنها کاربرد مستقل نداشته باشد، پیوسته نوشته می‌شود: غمخوار، رنگرز.

۱۹. این موارد، الزاما جدا نوشته می‌شود:

الف) ترکیب‌های اضافی (شامل موصوف و صفت و مضاف و مضاف الیه): دست کم، حاصل ضرب، سیب زمینی، آب میوه، صرف نظر.

ب) جزء دوم با «الف» آغاز شود: دل انگیز، عقب افتادگی، کم احساس.

ج) حرف پایانی جزء اول با حرف آغازی جزء دوم همانند یا هم مخرج باشد: آیین نامه، کم مصرف، چوب پرده.

د) مرکب‌هایی که یک جزء آنها دخیل فرنگی است: مدل سازی، شیک پوش.

ه) عبارت‌های عربی که شامل چند جزء باشد: علی هذا، ان شاء الله.

۲۰. «را» مطلقا از کلمات جدا می‌شود. مانند:

غلط	صحیح
آترا	آن را
کتابرا	کتاب را

۲۱. در کلمات مختوم به «ه / ه» غیرملفوظ، در حالت مضاف، از «ی» - که با نیم فاصله به کلمه‌ی قبل چسبیده - استفاده می‌شود: خانه‌ی من، نامه‌ی او.

۲۲. حرف «ی» در کلمات فارسی قلب به همزه نمی‌شوند. یعنی:

غلط	صحیح
آئین	آیین
شنوائی	شنوایی
گوئی	گویی

**نکته:** البته رعایت این مورد، در برخی از کلمات عربی، بی مورد است؛ یعنی همزه باید در جای خویش بماند.

مثال:

غلط	صحیح
جبرئیل	جبرئیل
جزئی	جزئی

۲۳. کلمات عربی منتهی به الف مقصوره، معمولاً مانند اصل عربی خود با یاء آخر باقی می ماند. مثل: «موسی»، «عیسی»، «خنثی» (مگر کلماتی که در متون فارسی مرسوم شده اند؛ مثل: بلوا و فتوا).

۲۴. کلمات مختوم به همزه، با همزه بدون کرسی نوشته می شوند: شیء، سوء، جزء.

۲۵. کلمات همزه داری که همزه آنها ساکن ماقبل مفتوح و همزه آنها مفتوح ماقبل مفتوح باشد، همزه روی کرسی الف می نشیند: رأس، رأفت، ملجأ، خلأ و جرأت، تأسف، تأثر، متأثر. مسأله

۲۶. کلمات همزه داری که همزه آنها ساکن (یا مفتوح) و ماقبل مضموم (هم چنین اگر همزه با مصوت /ا/ و ماقبل مضموم) باشد، همزه با کرسی واو می آید: مؤمن، رؤیت، لؤلؤ، تلالؤ، مؤسس، مؤلف، رؤسا و فؤاد، سؤال، مؤاخذه.

۲۷. کرسی همزه جز در موارد یاد شده، با کرسی «ی» می آید: مسائل، ائتلاف، افتده، مسؤل، شئون، رئوف، متلألئ و در کلمات خارجی هم؛ مثل: نئون، ژوئن، لائوس، دوئل.

۲۸. همزه از آخر کلمات مختوم به «اء» حذف می شود. مثال:

غلط	صحیح
املاء	املا
انبياء	انبيا

۲۹. کلمات فارسی (غیر عربی) تنوین نمی گیرند. مثال:

غلط	صحیح
گاهاً	گاهی
تلفناً	تلفنی
دوماً	دوم

۳۰. نشانه هایی مانند ویرگول، نقطه ویرگول، نقطه، دو نقطه و ... (، /، ؟، /، !، ) با کلمه قبل از خود بدون فاصله و با کلمه پس از خود با فاصله اند. مثال:

غلط	صحیح
حسن،	حسن،
است .	است.
گفت :	گفت:

۳۱. نشانه نقل قول (« و ») یا علامت پراگماتیک ( ) به کلمه مرتبط نزدیک است و از کلمه قبلی یا بعدی غیر مرتبط فاصله دارد. مثال: ما به خانه (خانه پدری ام) رفتیم و در آن جا کتاب «الکافی» را با هم خواندیم.

۳۲. عبارات بدل یا شاخص‌ها، در میان دو ویرگول (،) و جملات معترضه در میان دو خط تیره (-) قرار می‌گیرند.  
مثال:

علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، بهترین شمشیرزن عرب، وارد میدان شد. (عبارت بدل)

علی عَلَيْهِ السَّلَامُ - همو که بهترین شمشیرزن عرب بود - وارد میدان شد. (جمله‌ی معترضه)

۳۳. در مواردی که یک کلمه یا عبارت در معنای یک عبارت منطوقی است اما در متن اصلی وجود ندارد، از قلاب ([]) استفاده می‌شود. برای تشخیص این موارد، متنی را که داخل قلاب می‌آید، هم می‌توان به عنوان متن اصلی خواند و فرض کرد که قلاب وجود ندارد و هم می‌توان آن را در نظر نگرفت: او [خدایی] است که شما را آفریده.

۳۴. اگر عبارت یا جمله‌ای نمی‌تواند جزو متن باشد بلکه توضیح اضافه نویسنده برای رفع ابهام یا بیان معنای یک جمله یا عبارت است، باید در داخل پرانتز بیاید. در این حالت معمولاً نمی‌توان متن داخل پرانتز را به عنوان متن اصلی و بدون در نظر گرفتن پرانتز در بین جمله خواند: او (خداوند) کسی است که آیاتش را به شما نشان می‌دهد و برایتان از آسمان روزی فرو می‌فرستد.

۳۵. در مواردی که جمله تمام شده و معنای آن نیز کامل می‌شود، از نقطه (.) در انتهای آن استفاده می‌شود. در جملات مرکب مانند جملات شرطی، زمانی که نیاز است که بین دو جمله مکث کرد، از ویرگول باید استفاده کرد و در مواردی که جمله‌ی اول تمام شده اما اگر به همراه جمله‌ی بعد باشد معنا کامل‌تر خواهد شد، از نقطه و ویرگول (؛) باید استفاده نمود. در این حالت، مکث بین دو جمله، از مکث پس از نقطه کمتر و از مکث پس از ویرگول بیشتر است. مثال:

نقطه: علی عَلَيْهِ السَّلَامُ خلیفه‌ی بلا فصل پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. خلافت در منظر شیعه یک امر منصوص از جانب خداوند است.

ویرگول: از آنجایی که خلافت در منظر شیعه امری منصوص از جانب خداوند است، علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ خلیفه‌ی بلا فصل پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

نقطه و ویرگول: علی عَلَيْهِ السَّلَامُ خلیفه‌ی بلا فصل پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ با این وجود، عده‌ی زیادی خلافت بلا فصل ایشان را انکار کردند.

۳۶. برای درج علائم دعایی (مانند صلی الله علیه و آله و سلم) بهتر است که از علائمی که در فونت استاندارد در نظر گرفته شده است استفاده کرد. این علائم، بدون فاصله از کلمه‌ی قبل و با یک فاصله از کلمه‌ی بعد می‌آیند.



## صورت‌های متصل فعل «بودن» در زمان حال

فعل «بودن» در زمان حال (ام، ای، است، ایم، اید، اند) به صورت‌های زیر نوشته می‌شود:

کلمات مختوم به	صامت میانجی	مثال
صامت منفصل	-	خشنودم خشنودید خشنودند
«و» با صدایی نظیر آنچه در «رهرو» به کار می‌رود	-	رهروی رهروید رهروند
صامت متصل	-	پاکم پاکید پاکند
«آ»	«ی»	دانايم دانايد دانايند
«و» با صدایی نظیر آنچه در «دانشجو» به کار می‌رود.	«ی»	دانشجويم دانشجويد دانشجويند
«و» با صدایی نظیر آنچه در «تو» به کار رفته است.	همزه	توایم / توایی (شما کارمند) مترواید تواند
«ی» های غیر ملفوظ	همزه	خسته‌ام خسته‌ايم خسته‌اند
«ای»	همزه	تیزی‌ام تیزی‌ايم تیزی‌اند
«ای»	همزه	کاری‌ام کاری‌ايم کاری‌اند

## ضمائر ملکی و مفعولی

ضمایر ملکی و مفعولی (م، ت، ش، مان، تان، شان) همراه با کلمات قبل از خود به صورت های زیر نوشته می شود:

کلمات مختوم به	صامت میانجی	مثال
صامت منفصل	-	برادرش برادرشان
صامت متصل	-	پاکم پاکیم
«و» با صدایی نظیر آنچه در «راهر» به کار می رود	-	راهروش راهروشان
«آ»	«ی»	پایم پایمان
«و» با صدایی نظیر آنچه در «عمو» به کار می رود.	«ی»	عمویم عمویمان
«ه» های غیر ملفوظ	همزه	خانه ام خانه مان
«ای»	همزه	پیش پیشان
«ای»	همزه	کشتی ام کشتی مان
«و» با صدایی نظیر آنچه در «رادیو» به کار می رود.	همزه	رادیو ام رادیو مان